

ای منادی پیمان نامه رسید و مضمون مفهوم گردید ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۶۵۷

طهران

حضرت ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای منادی پیمان نامه رسید و مضمون مفهوم گردید چون فرصت بهیچوجه نیست جواب مطالب مختصر مرقوم میشود در خصوص معاملات احباً با یکدیگر مرقوم نموده بودید این مسئله اهم امور و این قضیه را باید نهایت اهتمام داد یاران الهی باید با یکدیگر در نهایت امانت و دیانت معامله نمایند و هر کس در این خصوص قصور کند از نصایح جمال مبارک و از وصایای الهی روگردانست اگر انسان در خانه خود با متعلقان و یاران در نهایت امانت و دیانت معامله ننماید با بیگانگان هر چه بامانت و راستی معامله کند بی ثمر و نتیجه ماند اول باید معاملات داخلی را منتظم کرد بعد بخارج پرداخت نه اینکه گفت آشنایان را اهتمام نباید و ایشان را در امانت با یکدیگر چندان اهمیتی لازم نه ولی باید با بیگانگان درست رفتار کرد این اوهام است و سبب خسران و زیان طوبی نفس اشرفت بنور الأمانه بین العموم و کانت آیه الکمال بین الجمهور

تاریخ حضرات شهدا را نهایت اهتمام بدهید البته بکوشید تا در یک کتاب مخصوص جمع نمائید انشاءالله ما در خصوص سائر نیز میکوشیم

اما قضیه تقی زاده در تبریز دشمن معلوم است وسیلهئی جوید تا از هر جهت فتنه و فسادى نماید وقتی که شما در ارض مقصود بودید و غلبه دولتیان تازه واقع صریحاً بان جناب گفته شد که چون ملاحظه گردید که احباً آنچه تأکید میشود که در امور سیاسی مداخله ننمایند و از جمیع احزاب در کنار باشند ثمره نمیبخشند بعضی مداخله با ملتیان مینمایند لهذا مجبوراً مرقوم شد مقصد عبدالبهاء این بود تا بکلی احباً را از مداخله در امور سیاسی منع کنیم دیگر کسی را اجتهاد و تأویلی نماند حال اگر چنانکه باید و شاید خونخواهی مظلومان نماید فيها والا قضیه مسئله در امر الله وقتی که این عبارت مرقوم شد در همان دقیقه بجناب آقا سید علی اکبر ذکر شد که نظر بمصلحت و حکمت الهیه مجبور بر آن شدم که این کلمه مرقوم نمایم ولی این شرطش آنست که بآنچه باید و شاید قیام شود و اگر چنانچه مجرا میشد نصرت پی در پی میرسید



ORIGINAL

و نظر بحکمتی بیانی میشود چنانکه امام جعفر صادق علیه السلام فرمود وقتی که سؤال کردند که ما موعود بآنیم سابعهم قائمهم و شما سابعید باید قائم باشید این وعد کجا رفت در جواب فرمودند بلی من قائم بودم اما بدا شد در قائمیت موسی بن جعفر چون بدا جائز البتّه در امر دیگر نیز جائز

و اما قضیّه مداخله احباب آشنا و بیگانه میدانند که این کذب و بهتانست و گذشته از آن نفوس بسیار در کتاب منصوص کسی از کلمه منصوص که این عبد مرقوم نمود چه داند که چیست محض حکمت بالغه عبارتی مجمله به اشاره مرقوم گشت باید احبای الهی عموماً تفهیم جمهور نمایند که از بدایت این انقلابات متتابعاً مرقوم گردید که یاران الهی باید ابدأً در امور سیاسی مداخله نمایند و کتاره جویند و طرفین را خیرخواه باشند و مکاتیبی که در این خصوص مرقوم شده است نشان بدهید

و اما قضیّه یحیایها لکلّ باطل جولة و للحقّ الصّولة کسر اب بقیعة یحسبه الظّمان ماءً حتی اذا جاءه لم یجده شیئاً یاران الهی از فساد و حرکت آنها غفلت نمودند که سرّاً مشغول بترویج بودند و الا کار باین درجه نمیرسید

اما قضیّه جناب آقا سیاوش که خیال مداخله دارند تا طرفین را صلح دهند اگر ممکن بسیار خوب

اما قضیّه شعاع السلطنه ایشان ببقعه مبارکه وارد و ساعتی حاضر و سیّاح کامل باو خطاب شد نهایت مهربانی بایشان مجرا گردید ولی چون ملاحظه شد که نمیخواهند معروف شوند و شناخته گردند و در کلام قدری طفره زدند لهذا ما نیز چشم پوشیدیم امیدواریم که مؤید و موفق بخدمت عالم انسانی گردند و سبب اتّحاد و اتّفاق بین دولت و ملت شوند تا این دو رکن عظیم با یکدیگر چون شیر و شکر آمیخته گردند ایشان را باید همت بلند و مقصد ارجمند باشد مانند سائرین خود را بمقاصد جزئیّه و امور عادیّه آوده نفرمایند بلکه بنیانی ابدی بنهند و بدیوان الهی خدمت فرمایند تا بایوان بلند رحمانی پی برند زندگانی بعالم انسانی بخشند و از افق عرّت ابدی درخشند و علیه التّحیّة و الثّناء ع ع

جناب ایادی آنچه از قلم میثاق صادر کل ظاهر شده و خواهد شد منتظر باشید ع ع